

بررسی رابطه هویت و مجسمه‌های شهری و تأثیر آن بر سلامت روان زنان در شهر

چکیده

مجسمه‌های نصب‌شده در شهر به‌عنوان نمونه‌هایی از آثار هنری از جمله نشانه‌های بازشناسی هویت فردی و شهری محسوب می‌شوند که هر لحظه توسط مخاطب (شهروند) دریافت و مورد خوانش قرار می‌گیرد. هویت شهر به‌عنوان اَبَر واحد، تأثیری خاص و منحصر به فرد از آن شهر ارائه می‌دهد، همچنین ریزواحدها یا واحدهایی که مجموعه شهر را می‌سازند، اعم از بناها، فضاها، المان‌ها و مجسمه‌های شهری نیز تأثیراتی هماهنگ یا مستقل از هویت شهر به مخاطبان خود القاء می‌کنند. پژوهش حاضر باهدف شناسایی و کشف تأثیرات مجسمه‌های شهری بر سلامت روان ساکنان شهر انجام شده است که در این مطالعه تهران به‌عنوان یک شهر و زنان شهروند به‌عنوان مخاطب اصلی در نظر گرفته شده‌اند. از جمله مهم‌ترین پرسش‌هایی که این پژوهش را شکل می‌دهد، چیستی و چگونگی تأثیر هویت فضای شهری بر سلامت روان زنان به‌عنوان نیمی از جامعه شهروندان یک شهر است. این هویت در فضای شهری از طریق ایجاد تفاوت‌های معنی‌دار باعث ایجاد دل‌بستگی و خاطره‌ذهنی می‌شود که دستاورد آن احساس امنیت و آرامش و در نهایت سلامت روان در جامعه است. به این منظور ادبیات نظری پژوهش بر هویت شهری و تجربه زیسته استوار است. جمع‌آوری داده‌ها از طریق مطالعه منابع کتابخانه‌ای و نیز پژوهش‌های میدانی به کمک طرح پرسش‌نامه انجام پذیرفته است، از این رو پژوهش موردنظر ماهیتی آمیخته (کمی و کیفی) دارد. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که بازنمایی هویت زنان در آثار مجسمه‌های واقع در باغ‌موزه زندان قصر به‌عنوان مکانی با هویت تاریخی و فرهنگی برای مخاطبان زن و مجموعه بوستان‌های عباس‌آباد، به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین و پر بازدیدترین بوستان‌های شهر تهران، اندک و ناچیز است و با رویکرد متفاوت در خلق و تولید، هویتی یکسان به ساکنانی (زنان) متفرق می‌بخشد.

کلیدواژه‌ها: مجسمه‌های شهری، هویت زنان، تجربه زیسته، سلامت روان، باغ‌موزه زندان قصر، مجموعه بوستان‌های عباس‌آباد

۱. عضو هیئت‌علمی گروه مجسمه‌سازی، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه هنر، تهران، ایران

مقدمه

یکی از اهداف اصلی هنرهای شهری، تعالی بخشیدن به واقعه زیستن است. به وسیله هنر شهری می‌توان فضاهایی متمایز جهت فعالیت‌های گوناگون عمومی، فرهنگی و تفریحی در شهر فراهم آورد و آن‌ها را به گونهای پیوند زد که محتوای عاطفی آن‌ها به تقویت کنش‌های خاص از تجربه زیسته انسان‌هایی که در آن فضا حضور می‌یابند، منجر شود (رید، ۱۳۵۲: ۸۷). به‌منظور مطالعه آثار هنری شهری و تعامل مخاطب با آن ابتدا لازم می‌آید از شهر به‌عنوان مجموعه‌ای ابر واحد که از گردهم آمدن اجتماعی از ریزواحدها شکل می‌گیرد، سخن به میان آوریم. مواجهه با شهر معطوف به دریافت «معنی» است؛ ساده‌ترین وجه «معنی» در این مواجهه هویت است. به این معنا که هویت یک محله یا یک بنا به ترکیب دیداری، فضا و کیفیاتی که آن را می‌سازند، وابسته است و این‌همه برگرفته و برخاسته از فرهنگ به مفهوم مجموعه‌ای از فرآیندها و رویه‌های تجارب تاریخی، بازنمایی زبان و رسوم است (Hall, 1997). فرهنگ از این دیدگاه تولید و تبادل معنا میان مشارکت‌کنندگان آن بوده و محملی برای تجلی و تبلور معناها توسط مشارکت‌کنندگان فرهنگ است (کهوند، ۱۳۹۵: ۵۴). فرهنگ مخاطبان و مشاهده‌کنندگان یا ساکنان یک شهر که در این مطالعه زنان شهروند تهرانی هستند. ساده‌ترین شکل «معنی» به مفهوم محدود این واژه کلی «هویت» است، یعنی معنی یک محل. معنی به شکل فضایی و کیفیت وابسته است، ولی در عین حال به فرهنگ، منش، موقعیت و تجربه کنونی مشاهده‌گر شهر (شهروند) نیز بستگی دارد. مانند آن‌که بگوییم معنی یک مکان خاص برای مشاهده‌گران مختلف متفاوت است. این انتخاب بر اساس رده‌شناختی صورت گرفته و زن را مشاهده‌گر و مخاطب اصلی در نظر گرفته است.

اگر شهر را مجموعه‌ای سازمان‌یافته در فضا تلقی کنیم، بستری مناسب رشد و گسترش فرهنگ است. فرهنگ از جمله حلقه‌های مهم ارتباطی میان شهروندان و شهر و به‌مثابه‌ی هویت شهر است. هویت یک مکان در مرز مشاهده می‌شود که قابل‌شناسایی یا بازشناسی از سایر مکان‌ها است، به‌گونه‌ای که شخصیتی متمایز، بی‌ظنیر یا حداقل مخصوص به خود را بازنمایی کند. هویت مکانی پیوند نزدیکی با هویت شخصیتی پیدا می‌یابد. این‌که «من اینجا هستم» از «من هستم» حکایت می‌کند (لینچ، ۱۳۸۱: ۱۶۸-۱۷۳). پس اگر به «هویت‌بخشی» به فضا باور داشته باشیم، مهم است که فضای شهر ساختاری قابل‌درک با ویژگی‌های گوناگون قابل‌شناسایی و بازشناسی باشد. در کنار هویت، عنصر دیگر «معنی» ساختار رسمی عنصری دیگر در کنار هویت برای تجلی‌بخشیدن به «معنی» است که در مقیاس کوچک به معنای چگونگی ترکیب اجزا با یکدیگر و در مقیاسی کلان، به مفهوم درک موقعیت مکانی و جهت‌یابی است؛ این‌که شخص کجا و یا در چه زمانی است. موقعیت‌یابی ضعیف یا درک موقعیت ضعیف می‌تواند موجب بروز احساس تنهایی، ترس، ابهام و سردرگمی شده و برعکس درک و دریافت مناسب از موقعیت برانگیزاننده حس امنیت، آرامش و شادی است. حال یکی از مواردی که می‌تواند ما را در شناسایی محیط و رسیدن به معنی کمک رساند «نشانه‌ها» هستند که از جمله عوامل مهم برای شناسایی محیط و تأمین حس امنیت در فضا به شمار می‌روند. در پژوهش حاضر مجسمه‌های شهری به‌عنوان یکی از نشانه‌های هویت‌ساز در مکان‌های شهری در نظر گرفته می‌شوند. از نظر لینچ مهم است که فضای شهر دارای ساختاری قابل‌درک و نواحی متفاوت با ویژگی‌های قابل‌شناسایی باشد. از این‌رو «نشانه‌ها» رکنی اساسی برای جهت‌یابی و هدایت در کلان‌شهرها محسوب می‌گردند. امروزه شهرها تا حدود زیادی از طریق علائم و نشانه‌ها به هم پیوند می‌خورند تا با نظم مکانی و یا اتصالات مکانیکی و یا انسجام ارگانیک

(لینچ، ۱۳۸۱: ۱۴۸). به‌طور مثال در شهر فیلادلفیا کمیسیون طراحی و برنامه‌ریزی شهری تصمیم می‌گیرد که محله‌های قدیمی را به طریقی احیا کند که نهادهای جامعه و خاطرات روانی و انسانی آن نابود نگردد. ساختار اصلی این طرح پیوند زدن و جمع‌کردن سلسله ادراکات مشترک میان تعداد زیادی از مردم و در نتیجه ایجاد تصویری گروهی بر اساس تجارب مشترک و نهایتاً برجای گذاردن نشانه‌هایی است که شهروندان آن‌ها را با فضا، خاطرات و تجربه زیسته‌ی مشترکشان پیوند دهد (بیکن، ۱۳۷۶: ۲۵۸). ادموند بیکن نموداری را مطرح می‌کند که در آن به نقش فرضیه و «تجدیدنظر» در آن اشاره می‌کند و توجه طراحان شهری را به این مطلب جلب می‌کند که باید با بررسی بازخوردها، «فرضیه نهایی» در طرح یک شهر، نه مخلوق جامعه باشد نه طراح (هنرمند) بلکه می‌بایست محصول کنش متقابل هریک از آن‌ها باشد، متناسب با نیازهای روحی و روانی شهروندان. به کمک نشانه‌ها محیط باید به درجه‌ای از نمایانی برسد که با امیدها و امیال ساکنان آن شهر پیوند بخورد و در این صورت است که محیط زندگی به معنای واقعی جایی می‌شود که قابل‌ملاحظه است و مظاهر شناختی نیکویی دارد.

روش پژوهش

این پژوهش ماهیتی ترکیبی یا آمیخته دارد. پژوهش آمیخته پژوهشی است که داده‌های مورد مطالعه برای تحلیل کیفی در آن با روش‌های کمی گردآوری و اندازه‌گیری می‌شود (بازرگان، ۱۳۸۹: ۱۶۱). جمع‌آوری داده‌های بصری از طریق مشاهده و تصویربرداری و نیز جمع‌آوری داده‌های کمی از طریق طراحی و توزیع پرسش‌نامه و از طریق انجام تحقیق میدانی صورت پذیرفته است. نمونه‌های مورد مطالعه از نوع مورد پژوهی بوده و از این جهت نتایج تحقیق به موارد کلی تعمیم‌پذیر نخواهد بود. نمونه‌های مورد مطالعه آثار مجسمه شهری دو مجموعه فرهنگی-تفریحی، باغ‌موزه قصر و مجموعه بوستان‌های عباس‌آباد در کلان‌شهر تهران است. روش تحقیق در بخش تحلیل نمونه‌ها توصیفی-تحلیلی است و بر مبنای ادبیات نظری در حوزه هویت و تجربه زیسته استوار است. سایر داده‌ها از طریق مرور و مطالعه متون و منابع مکتوب چاپی و الکترونیکی فراهم آمده است.

پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه موضوع تحقیق حاضر نشان می‌دهد بخش قابل توجهی از پژوهش‌های مربوطه بر هویت شهری و زنان در حوزه مطالعات علوم اجتماعی و انسانی متمرکز بوده‌اند و موضوع زنان و هویت متأثر از زندگی شهری و آثار هنری مدرن به‌ندرت مورد مطالعه قرار گرفته و یا از نظر دور مانده است. در این بررسی همچنین پژوهشی با موضوع بررسی رابطه هویت و مجسمه‌های شهری و تأثیر آن بر سلامت زنان یافت نشد، اما مهم‌ترین آثار پژوهشی نزدیک به این موضوع عبارتند از احمدی در معمای مدرنیته و خاطرات ظلمت با اشاره به مقالات بنیامین درباره زندگی روزمره در عصر مدرن به بررسی انسان در عصر مدرن می‌پردازد که در ادامه کتاب پیشین احمدی به نام مدرنیته و اندیشه انتقادی نگاشته شده است. کاظمی در پرسه‌زنی و زندگی روزمره ایرانی به بررسی رابطه انسان مدرن در جامعه ایران پرداخته و چنین بحث می‌کند که پرسه‌زن در پشت ویتترین مغازه‌ها در خیابان‌ها و فضای عمومی شهر به دنبال نشانه‌های زندگی روزمره می‌گردد. کاظمی در این کتاب می‌کوشد تا با بررسی مراکز خرید تهران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین فضاهای قابل مطالعه شهری تهران جنبه‌هایی از زندگی روزمره را در تهران مشخص نماید و حضور فرهنگی

و اجتماعی انسان را در این فضای مدرن تبیین نماید. ابازری و همکاران در مقاله احساس امن در تجربه زنان از زندگی روزمره به بررسی وضعیت زنان در ارتباط با محیط زندگی روزمره ایشان می‌پردازند تا به پرسش‌هایی در باب رابطه سلامت روان ایشان و محیط روزمره‌شان پاسخ دهند. محمدپور و بهمنی در پژوهشی با عنوان زنان، پاساژ و مصرف نشانه‌ها به حضور زنان در جامعه امروزی ایران در یک دهه اخیر اشاره می‌کنند و به دنبال یافتن تغییرات به وجود آمده در سبک زندگی زنان با بررسی الگوی کالاهای مصرفی، نشانه‌ها، مکان‌ها و فضاها می‌پردازند. یافته‌های این پژوهش نشان داده‌اند که پاساژ صرفاً مکان مصرف کالاهای متعارف نیست بلکه فضایی نشانه شناختی و نمادین است. کاظمی و ابازری در مقاله‌ای با عنوان زندگی روزمره و مراکز خرید در شهر تهران به بررسی زندگی روزمره در جامعه ایرانی از طریق بررسی مراکز خرید می‌پردازند تا به معانی پنهان حضور گروه‌های مختلف جامعه در مراکز خرید دست یابند. کاستنر در هنر محیطی و زمین به تعریف هنر محیطی و هنر زمین، خواستگاه‌ها و خصوصیات این هنر می‌پردازد و در این راستا سیر تاریخی و تحول این آثار را بررسی و شاخه‌های مختلف آن را معرفی می‌نماید. فلود و همکاران در یک یادواره به هنر محیطی و آثاری می‌پردازد که محیط خود را درگیر می‌کنند و با فضا در رابطه قرار می‌گیرند.

شهر، متن، شهروند مخاطب زن

با سخن از نشانه‌ها متن در ذهن تداعی می‌شود. شهر نیز می‌تواند مانند یک متن باشد؛ متنی که هر آن توسط شهروند مخاطب خویش در حال خوانش است، نظامی از نشانه‌ها که در تعامل باهم معنا را رقم می‌زنند. این شهروند مخاطب متن شهر است که به دنبال کشف و خلق روابط بین نشانه‌ها دست به بازخوانی می‌زند و بر اساس تجربه زیسته‌ی خود متن و نشانه‌های آن را تأویل می‌کند. خیابان‌ها و گذرگاه‌های شهری، خانه و مأوای «پرسه‌زنی» هستند که به تعبیر بنیامین روی آسفالت سیاحت می‌کند. او تماشاگر و خانه‌به‌دوشی است که همانند دوره‌گردها خود را با فضای شهری، اجتماعات و ویتترین مغازه‌ها سرگرم می‌کند. پرسه‌زن از راه رفتن روی آسفالت خیابان‌ها لذت می‌برد. او پیرامون فضاهای عمومی، پارک‌ها و پاساژها حرکت می‌کند (Smith, 2001: 44-45). پرسه‌زن به شمار کثیری از مردم، لباس‌ها، ظواهر و چهره آن‌ها نگاه می‌کند و با استفاده از نشانه‌ها بین طبقات مختلف مردم تفاوت قائل می‌شود (Werner, 2001: 8). پرسه‌زن نماد زیستن در سایه‌ی تجربه شهری است. وجوه متناقض‌نمای ماهیت پرسه‌زن هم به مثابه «ناظر صحنه تماشایی شهر» و هم منظره‌ای برای دیده شدن است. به بیانی دیگر، پرسه‌زن بیننده‌ای است که خود در معرض دیدن است. پرسه‌زن در وضعیت نقیضه خود در آفرینش «متن» شهر در دوره مدرن به‌زعم دیوید فریزبی می‌تواند به مثابه جامعه‌شناسی دیده شود که در پی خواندن فضاهای شهری، کشف و رمزگشایی معنایی آن است. در نتیجه او نشانه‌های شهر را به فضایی خواندنی بدل می‌سازد. اشاره به بنیامین و صحبت از پرسه‌زن بدان جهت است که نگاه خواننده را به زندگی مدرن و روزمره و جایگاه هنر در عصر بازتولید معطوف نماید. یعنی «هنری که با زندگی مردم کوچه و خیابان پیوند عمیقی دارد و حاصل تجربه همگانی است» (Jose, 1971: 27-28). از نظر بنیامین توده مردم در رؤیایی که زندگی مدرن برایشان فراهم کرده، غرق شده‌اند و در این میان تنها هنر و زیبایی است که می‌تواند بصیرتی مناسب به آن‌ها ببخشد. برای بنیامین چهره سورئالیستی یک کلان‌شهر مجموعه‌ای شکل یافته از همین نشانه‌ها است؛ آثاری که در سطح شهر و در دل واقعیت زندگی

روزمره ساکنانش هم چون جرقه‌ای ظهور می‌کند و به عابر پرسه‌زن معاصر، با خوانشی که او از آن‌ها می‌یابد می‌شناساند که او کیست و در کجا قرار دارد. در پژوهش پیش رو «زن» پرسه‌زنی است که همچون گفته‌ی بنیامین از خیابان‌ها، پارک‌ها و پاساژها عبور می‌کند و به دنبال نشانه‌ها در شهر به بازخوانی و تأویل آن می‌گردد. زن زندگی مدرن که همدوش و پایه‌پای مردان در شهر تردد می‌کند و به دنبال یافتن هر نشانه‌ای است که او را با هویت زندگی مدرن امروز پیوند دهد.

هویت و سلامت روان زنان

حال می‌خواهیم آثار هنری شهری (مجسمه) را به‌عنوان یکی از نشانه‌های هویت‌ساز یک مکان در متن شهر معرفی کنیم تا به اهمیت حضور و نقش این آثار در ارتباط با فرهنگ و سلامت روان ساکنین یک شهر (در اینجا زنان) پی ببریم. آیا جامعه زنان می‌توانند به کمک آثار هنری (نشانه‌ها) نصب‌شده در شهر به تصور واضحی از خود و جهان پیرامون خود دست یابند؟ آیا این نشانه‌ها چیزی از زن و هویت زنانه را در خود بازمی‌نمایانند؟ هویت فضاهای شهری موردنظر چه تأثیری بر سلامت روان زنان دارد؟ یادآوری این نکته ضروری است که تأکید بر حضور نشانه‌ها و امر آشنا، به معنای در اختیار داشتن «عناصر قابل‌تعریف» است نه «عناصر تعریف‌شده» که در صورت اشاره به دومی به امر روزمرگی در جامعه دامن زده و به‌نوعی دیگر موجبات ناسالم بودن محیط شهری را فراهم می‌آورد.

کودکی که در رم، پاریس، آتن، پراگ یا کلان‌شهرهایی مشابه آن‌ها به دنیا آمده است، از بدو تولد تا بزرگسالی با فضایی مملو از نمادها و نشانه‌هایی متعلق به مکان‌ها و زمان‌های گذشته تاکنون مواجه می‌شود. آثار هنری که در سرتاسر شهر به چشم می‌خورند؛ مجسمه‌های شهری، طاق‌بستان‌ها، پیاده‌راه‌های سنگفرش شده قدیمی و ساختمان‌هایی که نما و قدمتشان برای بازسازی هویت محیط حفظ شده است. این کودکان هر روز، خود را در محیطی آشنا می‌یابند که در گذشته پدرانشان و در آینده فرزندان‌شان در آن زندگی خواهند کرد. تجربه زیسته آن‌ها به کمک نشانه‌های شهری با تاریخ و فرهنگشان پیوند می‌خورند و موجب می‌شود محیطی امن در پیرامون خود احساس کنند. این پرسش مطرح می‌گردد که آیا کودکی که در کلان‌شهر تهران متولد می‌شود نیز قادر به ادراک و دریافت نشانه‌هایی از هویت خویش در کلان‌شهر تهران برای تأویلی مشابه از تهران هست؟ فروید در مقاله‌ای به نام «امر غریب» به بیان این مطلب می‌پردازد که فرد در مواجهه با مکان، اشیا یا هر امر بیگانه دچار اضطراب، ترس و ناآرامی می‌شود؛ درحالی‌که مکان و فضای آشنا می‌تواند به او آرامش روحی و روانی بخشیده و سلامت جسمی او را تأمین کند (Fereud, 1919: 1-23). فرد در رویارویی با امر غریب به جستجو در خاطرات خویش می‌پردازد، همانندسازی می‌کند و به دنبال رد پای امری آشنا می‌گردد.

حال شما خود را در یکی از مناطق شهر تهران تصور کنید، آیا می‌توانید در شمال شهر نشانه‌ای متفاوت با جنوب شهر بیابید؟ آیا می‌توانید جهت‌یابی کرده و از روی نشانه‌ها (آثار هنری نصب‌شده در شهر) از موقعیت مکانی و تاریخی خود آگاه شوید؟ اگر در اثر گم کردن راه خود، دچار ترس و اضطراب شده‌اید، نشانه‌ای از امنیت امر آشنا می‌یابید؟ می‌توانید در برخورد با اثری نصب‌شده در میدانی تشخیص دهید که با چه فرهنگی در آنجا روبرو هستید؟ آشنایی با چیزی خود عامل ایجاد حس تشخیص و هویت است. هنگامی‌که شکل و آشنایی باهم ادغام گردند نتیجه احساسی و روانی آن بسیار قوی خواهد بود. در بررسی جنبه‌های گوناگون سلامتی و تعریف سلامتی، ساختار

اجتماعی نیز در کنار ساختار محیطی اهمیت می‌یابد بدین معنا که هر دو در کنار هم در ایجاد فضایی حیاتی و بستری مناسب برای زندگی نقش دارند. لازم به ذکر است که واژه سلامتی مؤلفه‌ای سه وجهی است: سلامت روانی، سلامت اجتماعی و سلامت جسمانی. هیچ‌کدام از این مؤلفه‌ها بدون اثربخشی سایر مؤلفه‌ها قادر به تأمین سلامت روانی افراد و در نهایت جامعه نخواهد بود. برای تحلیل نمونه‌ها ابتدا لازم است آثار مجسمه‌های شهری نصب‌شده در دو مکان باغ‌موزه زندان قصر و مجموعه بوستان‌های عباس‌آباد معرفی و سپس مورد تحلیل قرار گیرند.

باغ‌موزه زندان قصر

باغ‌موزه زندان قصر به‌عنوان مکانی با هویت تاریخی که زنان در ساختن تاریخ آن پا به‌پای مردان نقش داشته‌اند مورد بررسی قرار می‌گیرد. فضایی که از زمان رضاشاه در دوره پهلوی اول مکانی برای زندانی کردن و سرکوب مخالفین سیاسی در نظر گرفته‌شده و تا زمان پیروزی انقلاب به کار خود ادامه می‌داده است. این مکان در سال ۱۳۹۱ توسط شهرداری تهران به باغ‌موزه تبدیل گشت. ابتدا چند پرسش مهم مطرح می‌گردد. آیا در بازدید از باغ‌موزه قصر و آثار هنری نصب‌شده در آن می‌توان به نقش زنان در وقایع تاریخی این مکان پی‌برد؟ آیا زنان در محیط ذکرشده قادر به جستجوی هویت خود و مکانی آشنا خواهد بود؟ نیافتن هویت ذکرشده چه عواقب و تأثیراتی بر احساس گم‌گشتگی و از دست رفتن هویت ذکرشده دارد و آثار سوء آن بر سلامت روان زن کدام است؟ جامعه آماری پاسخ‌دهندگان و مشارکت‌کنندگان در نظرسنجی باغ‌موزه زندان قصر شامل ۱۰۵ نفر (۴۳ نفر زن + ۶۲ نفر مرد) هستند. میانگین سنی مشارکت‌کنندگان ۲۰ الی ۷۵ سال و سطح تحصیلات آن‌ها دیپلم تا دکترا است. نتایج پرسشنامه‌ها در جداول شماره ۲ و ۱ استخراج‌شده‌اند.

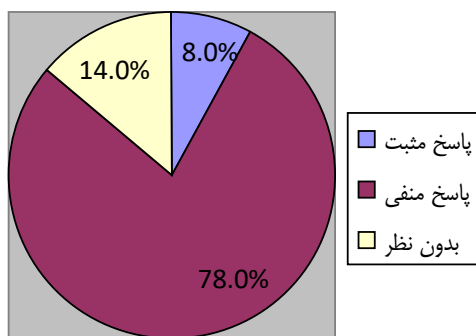
جدول ۱. پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان مرد (تعداد: ۶۲ نفر) در نظرسنجی از مجسمه‌های باغ‌موزه زندان قصر

ویژگی‌های ادراک‌شده از مجسمه‌ها	پاسخ مثبت	پاسخ منفی	بدون نظر
بازنمایی هویت تاریخی	۵۰	۸	۴
بازنمایی هویت زنان	۷	۴۵	۱۰
هنرمند اثر مرد است	۴۹	۱	۱۲
رضایت‌مندی از بازدید مکان	۴۶	۶	۱۰

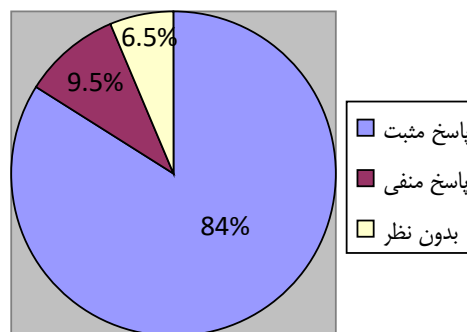
جدول ۲. پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان زن (تعداد: ۴۳ نفر) در نظرسنجی از مجسمه‌های باغ‌موزه زندان قصر

ویژگی‌های ادراک‌شده از مجسمه‌ها	پاسخ مثبت	پاسخ منفی	بدون نظر
بازنمایی هویت تاریخی	۳۸	۲	۳
بازنمایی هویت زنان	۱	۳۷	۵
هنرمند اثر مرد است	۴۲	۱	۰
رضایت‌مندی از بازدید مکان	۱۸	۲۰	۵

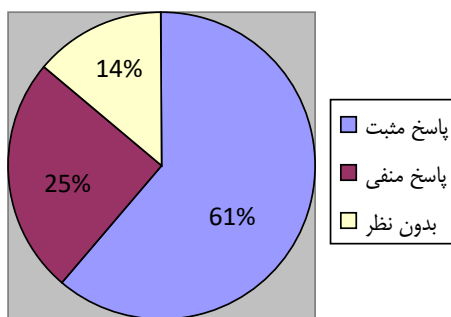
با مشاهده‌ی اطلاعات جدول ۱ ملاحظه می‌شود که پاسخ شرکت‌کنندگان به این پرسش که آیا مجسمه‌های نصب‌شده نمایانگر هویت تاریخی مجموعه هستند؟ هشتاد و هشت نفر مثبت (۵۰ مرد و ۳۸ زن)، ده نفر منفی (۸ مرد و ۲ زن) و هفت نفر بدون نظر (۴ مرد و ۳ زن) که در مجموع ۸۴٪ پاسخ مثبت، ۹/۵٪ پاسخ منفی و ۶/۵٪ بدون نظر بوده‌اند. همچنین در پاسخ به این پرسش که آیا این آثار نمایانگر حضور زنان در هویت تاریخی این مجموعه هستند؟ هشت پاسخ مثبت (۷ مرد و ۱ زن)، هشتاد و دو پاسخ منفی (۴۵ مرد و ۳۷ زن) و پانزده پاسخ بدون نظر (۱۰ مرد و ۵ زن) که در مجموع ۸٪ پاسخ مثبت، ۷۸٪ پاسخ منفی و ۱۴٪ بدون نظر بوده‌اند. پاسخ مشارکت‌کنندگان در تحقیق میدانی به پرسش آیا هنرمند خالق آثار نصب‌شده در این مجموعه مرد بوده‌اند؟ نود و یک پاسخ مثبت (۴۹ مرد و ۴۲ زن)، دو پاسخ منفی (۱ مرد و ۱ زن) و دوازده پاسخ بدون نظر (۱۲ مرد) بوده است که در مجموع ۸۶/۶٪ مثبت، ۲٪ منفی و ۱۱/۴٪ بدون نظر از مجموع پاسخ‌ها است. پاسخ شرکت‌کنندگان به پرسش آخر عبارت از آیا بازدید از این آثار برای شما رضایت‌بخش و خوشایند بوده است؟ در مجموع شصت و چهار پاسخ مثبت (۴۶ مرد و ۱۸ زن)، بیست و شش پاسخ منفی (۶ مرد و ۲۰ زن) و پانزده پاسخ بدون نظر (۱۰ مرد و ۱۵ زن) بوده است که به نسبت ۶۱٪ مثبت، ۲۵٪ منفی و ۱۴٪ بدون نظر از مجموع ۱۰۰٪ پاسخ‌ها است.



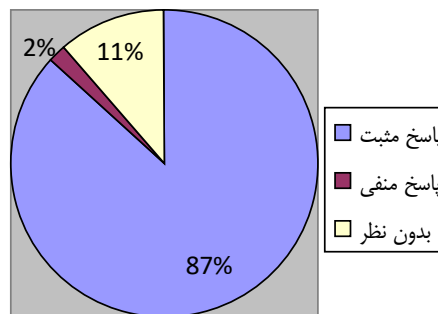
نمودار ۲: بازنمایی هویت زنان



نمودار ۱: بازنمایی هویت تاریخی



نمودار ۴: رضایت مندی از بازدید مکان



نمودار ۳: هنرمند اثر مرد است

اگرچه عدم بازنمایی هویت زنانه در آثار موردنظر به صورت کلی مشهود است، اما بر اساس پرسش‌نامه موردنظر میزان مشارکت و نحوه پاسخگویی زنان در نظرسنجی نیز می‌توان به شکل دقیق‌تری به نقش کم‌رنگ و حتی غیاب هویت زنانه به شکل مستقیم یا غیرمستقیم در آثار نصب‌شده در این مکان تاریخی پی برد، این در حالی است که شواهد تاریخی همان‌طور که در تصاویر نصب‌شده بر دیوار نشان می‌دهد، نشان‌دهنده حضور تاریخی و جریان‌ساز زنان در این مکان تاریخی به‌ویژه در دوران گذشته آن به‌عنوان بازداشتگاه است. زنان در این مکان خاطره و حضوری پررنگ همچون مردان داشته‌اند، همچنین زنان در بازدید از مکان‌های تفریحی و فرهنگی نیازمند بازیابی نقش خود در زندگی و جامعه هستند و آگاهانه یا ناخودآگاه نشانه‌هایی از هویت خویش را در مکان‌های شهری جستجو می‌کنند تا مکان برای آن‌ها به امری آشنا تبدیل شود؛ نشانه‌ای که مکان را به خویشتن آن‌ها ارجاع دهد. زنانی که در خاطرات خود و دیگر هم نوعانشان تجربه‌ی زیسته‌ی مشابه یا مشترک داشته‌اند که به محیط آن حتی پس از تغییر کاربری هویتی تاریخی بخشیده است. این انتظار یا توقع حتی به شکل ناخودآگاه در فرزندان و نوادگان زنانی که این تجربه را داشته‌اند نیز شکل می‌گیرد. درحالی‌که این عدم یادآوری و بازنمایی به‌نوبه خود زمینه‌های دلسردی و ناامیدی را در آنان به‌عنوان شهروند پدید می‌آورد. زنان به‌عنوان شهروند مخاطب این متن قادر به بازخوانی هویت خویش در آن نخواهند بود زیرا نشانه‌ای در آن نمی‌یابند تا چراغ‌هایی را برای پاسخ به «من که هستم» و «در کجا هستم» درونشان روشن کند.



تصویر ۱. مجموعه باغ‌موزه قصر، سایت سازمان زیباسازی (URL1)^{۳۸}

مجموعه بوستان‌های عباس‌آباد

مجموعه بوستان‌های عباس‌آباد به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین و پر بازدید کننده‌ترین بوستان‌های تهران واقع در مرکز شهر تهران است. این مجموعه در ۱۳۸۸ توسط شهرداری با افتتاح بوستان

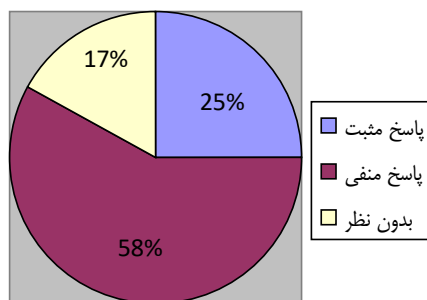
آب و آتش برای عموم افتتاح گردید و سپس بوستان‌های مشاهیر، بوستان نوروز، باغ هنر، باغ کتاب و موزه دفاع مقدس به آن ملحق گشت. در بررسی آثار هنری و مجسمه‌های شهری نصب‌شده در این مجموعه به دنبال اثری از هویت و مؤلفه‌های هویت‌بخش زنان بوده‌ایم. برای نظرسنجی پرسش‌نامه‌ها در میان ۱۰۸ نفر بازدیدکننده توزیع شده است که همه آن‌ها زن و در میانگین سنی ۱۷ تا ۷۲ سال و با سطح تحصیلات دیپلم تا دکترا هستند.

جدول ۳. پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان (تعداد ۱۰۸ نفر، جنسیت: زن) در نظرسنجی از مجسمه‌های بوستان‌های عباس‌آباد

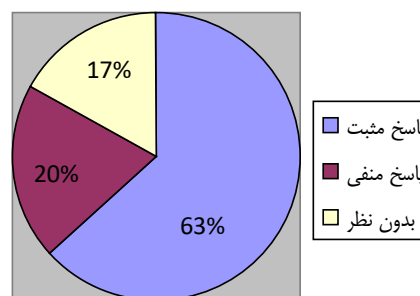
ویژگی‌های ادراک‌شده از مجسمه‌ها	پاسخ مثبت	پاسخ منفی	بدون نظر
امنیت محیط بوستان	۶۸	۲۲	۱۸
بازنمایی هویت زنانه در مجسمه	۲۷	۶۲	۱۹
رضایت‌مندی و آرامش خاطر	۲۷	۳۴	۴۷
خالق اثر زن است	۱۹	۶۸	۲۱

این پرسش‌نامه شامل چهار پرسش و نتایج پاسخ‌ها که در جدول شماره استخراج‌شده، به ترتیب شامل موارد زیر است:

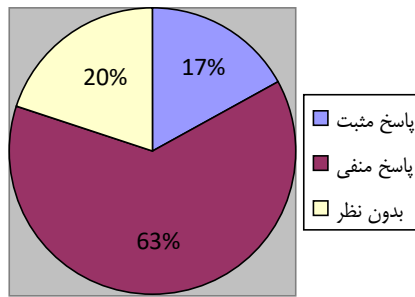
پاسخ مشارکت‌کنندگان به این پرسش که آیا به‌عنوان زن محیط بوستان را برای خود امن می‌یابید؟ شصت و هشت نفر مثبت، بیست و دو نفر منفی و هجده نفر بدون نظر است که به‌صورت سهم درصدی به شرح ۶۳٪ مثبت، ۲۰٪ منفی و ۱۷٪ بدون نظر می‌باشد. پاسخ پرسش دوم که آیا نشانه‌ای از حضور و هویت زن و زنانگی در مجسمه‌ها و آثار هنری نصب‌شده در بوستان می‌یابید؟ بیست و هفت نفر مثبت، شصت و دو نفر منفی و نوزده نفر بدون نظر است که به‌صورت سهم درصدی به شرح ۲۵٪ مثبت، ۵۸٪ منفی و ۱۷٪ بدون نظر می‌باشد. در پاسخ به این پرسش که آیا مجسمه‌ها و آثار نصب‌شده در بوستان به شما احساس رضایت‌مندی و یا آرامش خاطر می‌دهد؟ بیست و هفت پاسخ مثبت، سی و چهار پاسخ منفی و چهل و هفت پاسخ بدون نظر بوده که به ترتیب ۲۷٪ مثبت، ۳۱٪ منفی و ۴۴٪ بدون نظر هستند و درنهایت در پاسخ به پرسش آخر که آیا این آثار را حاصل آفرینش هنرمندی زن می‌یابید؟ نوزده پاسخ مثبت، شصت و هشت پاسخ منفی و بیست و یک پاسخ بدون نظر که سهم ۱۷٪ مثبت، ۶۳٪ منفی و ۲۰٪ را شامل می‌شوند.



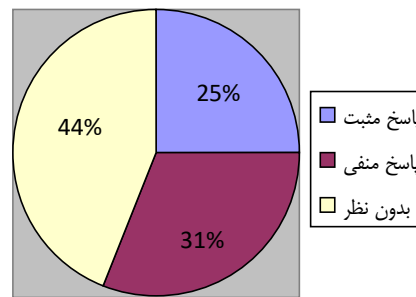
نمودار ۶: بازنمایی هویت زنانه در مجسمه



نمودار ۵: امنیت محیط بوستان



نمودار ۸: خالق اثر زن است



نمودار ۷: رضایت مندی و آرامش خاطر



تصویر ۲. مجموعه بوستان‌های عباس‌آباد (بوستان نوروز، آب و آتش، مشاهیر، حضرت ابراهیم) (URL2)

نتیجه‌گیری

اگر هدف از تولید و خلق آثار هنری شهری را تعالی بخشیدن امر زیستن در شهر بدانیم، ساکنان و بازدیدکنندگان یک شهر نقش اصلی را در خوانش شهر به مثابه متن بر عهده دارند. در این میان نقش و جایگاه زنان در شهر و نشانه‌های زیستی آنان اهمیت خاصی دارد و به واسطه حضور و نقش نسبتاً برابر یا نزدیک به نقش مردان، قابل تأمل است. اگر زنان با امر آشنایی از حضور خود در جامعه مواجه نشوند و محیط را برای خود بیگانه یابند، سلامت و آرامش آن‌ها مورد تهدید قرار می‌گیرد. نتایج به دست آمده از پژوهش میدانی که به کمک طراحی پرسش‌نامه و پاسخ‌گویی مشارکت‌کنندگان انجام شد، نشان می‌دهد که بازدیدکنندگان از باغ‌موزه قصر که بیشتر مردان

هستند، مجسمه‌های این مکان را بازنمایاننده هویت تاریخی، عاری از هویت زنانه، خلق شده توسط هنرمندان مرد و تا حدود زیادی رضایت‌بخش می‌دانند. از این رو امکان دریافت و ادراک هویت زنانه از سوی مخاطبان، اعم از مردان یا زنان (که به‌عنوان مخاطب اصلی این تحقیق هستند)، ضعیف و کم است و به‌طور طبیعی تأثیرات مثبت و خوشایندی بر سلامت روان زنان شهروند ندارد. بررسی پاسخ‌ها در مشاهده میدانی بازدیدکنندگان بوستان‌های عباس‌آباد درباره مجسمه‌ها بیان می‌دارد که بازدیدکنندگان این مجموعه که در این مطالعه همه زن هستند، از حضور در این مجموعه احساس امنیت دارند، اما غالب آن‌ها و جوهی از بازنمایی هویت خویش را در این مجسمه‌ها غایب می‌بینند. میزان رضایت‌مندی از این آثار ضعیف و هنرمند آثار خالق آثار را زن نمی‌یابند. بدین ترتیب روشن می‌گردد که در این مجموعه نیز با آنکه جامعه مشارکت‌کنندگان همه زن هستند، تصویر یا تصویری واضح از زن در جامعه پیرامون قابل‌ادراک نیست. به بیان دیگر امکان بازنمایی هویت زنانه در آثار این مجموعه نیز بسیار ضعیف و غیرمحمتمل است و نشانه‌های هنری شهر (مجسمه‌ها) تأثیر خوشایند و مثبتی در جهت همراهی و رضایت‌مندی از هویت زنانه ایجاد نمی‌کند و به تبع آن می‌تواند زمینه‌ساز عدم امنیت و آرامش و سلامت روانی در میان جمعیت قابل‌توجهی از جامعه یعنی زنان شود. ادموند بیکن نموداری را مطرح می‌کند و در آن به نقش فرضیه و تجدیدنظر اشاره و توجه طراحان شهری را به این مطلب جلب می‌کند که باید با بررسی بازخوردها، فرضیه نهایی در طرح یک شهر، نه مخلوق جامعه باشد نه طراح (هنرمند) بلکه می‌بایست محصول کنش متقابل هریک از آن‌ها، متناسب با نیازهای روحی و روانی شهروندان، باشد. پس بی‌شک هنگامی که آثار هنری در شهر و در محیط نصب می‌شوند، وظیفه‌ای فراتر از بیان هنری بر عهده دارند و آن ایجاد رابطه میان اثر، محیط و مخاطب است، زیرا در خوانش اشتباه از این نظام نشانه‌شناسی پرآشوب این شهروند (خواننده متن) است که بیشترین آسیب را به خود خواهد دید. پس می‌توان با در نظر گرفتن زنان، حضورشان و هویتشان در معنا بخشی به شهر، فضای روانی سالم‌تری را برای آنان در جامعه رقم زد.

پی‌نوشت‌ها

۱. Herbert Read
۲. Identity
۳. Kevin Andrew Lynch
۴. لینچ رویکردی شناختی نسبت به شهر داشت. روشی که او اتخاذ کرده بود، یعنی رسیدن به معنای موجود در شهر از طریق فراگیری نقشه‌های ذهنی ساکنین، به اساس و بنیادی بر جغرافیای شناختی بدل شد (لینچ: ۱۳۸۱: ۷۳).
۵. Land and Environmental Art
۶. Un Monumental
۷. Text
۸. والتر بنیامین در کتاب «پروژه پاساژها» (The Arcades Project) در مقام یک ولگرد و یا پرسه‌زن تصویری را از پاریس مدرن زده اوایل قرن بیستم مطرح می‌کند تا به جستجوی نشانه‌های بورژوازی قرن نوزده در شهر بپردازد.
۹. Walter Benjamin
۱۰. David Frisby
۱۱. «هیچ چیز بیش از چهره یک کلان‌شهر سورئالیستی نیست» (بنیامین، ۱۹۲۳: ۲۴)
۱۲. L'inquiétante étrangeté

فهرست منابع

- اباذری، یوسف، و همکاران. (۱۳۷۸). «احساس ناامنی در تجربه زنان از زندگی روزمره». *پژوهش زنان*. (شماره ۱)، ۷۵-۱۰۳.
- احمدی، بابک. (۱۳۸۶). *معماری مدرنیته*، تهران: مرکز.
- احمدی، بابک. (۱۳۹۱). *خاطرات ظلمت*. تهران: مرکز.
- اسمیت، فیلیپ. (۱۳۸۷). *برآمدی بر نظریه فرهنگی*. ترجمه حسن پویان. تهران: پژوهش‌های فرهنگی. بازرگان، عباس. (۱۳۸۹). *مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته*. تهران: دیدار.
- بیکن، ادmond. (۱۳۷۶). *طراحی شهرها*. ترجمه فرزانه طاهری. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- رید، هربرت. (۱۳۵۲). *هنر و اجتماع*، ترجمه سروش حبیبی. تهران: امیرکبیر.
- کاظمی، عباس. (۱۳۸۸). *پرسه‌زنی و زندگی روزمره ایرانی*. تهران: آشیان.
- کاظمی، عباس، یوسف اباذری. (۱۳۸۳). «زندگی روزمره و مراکز خرید در شهر تهران». *نامه انسان‌شناسی*. (شماره ۶)، ۹۷-۱۱۶.
- کهنوند، مریم. (۱۳۹۵). «فرهنگ دیداری گرافیک دیزاین در عصر دیجیتال». *حرفه هنرمند*. (شماره ۶۲)، ۳۸-۵۷.
- لنگ، جان. (۱۳۸۳). *آفرینش نظریه‌های معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط*. ترجمه علیرضا عینیفر. تهران: دانشگاه تهران.
- لینچ، کوین. (۱۳۸۱). *تئوری شکل شهر*. ترجمه سید حسین بحرینی. تهران: دانشگاه تهران.
- محمدپور، احمد، و مریم بهمینی. (۱۳۸۹). «زنان، پاساژ و مصرف نشانه‌ها». *شورای فرهنگی زنان*. (شماره ۴۸)، ۴۱-۷۲.
- Hall, S. (1997). *Representation: Cultural Representations and Signifying Practices*. London: Sage.
- José, Pierre. (1971). *Pop Art: Paintings-Sculptures*. London: Methuen.
- Kašner, Jeffrey. (2005). *Land and Environmental Art*. London: Phaidon.
- Flood, Richard. (2010). *Un Monumental*. London: Phaidon.
- Benjamin, Walter. (2002). *The Arcades Project*. Harvard: Harvard University Press.
- Werner V, J. (2001). *The Detective Gaze: Edgar A. Poe, the Flaneur, and the Physiognomy of crime*. Kingston: American Transcendental Quarterly.
- URL1 : www.zibasazi.ir
- URL2 : www.zibasazi.ir